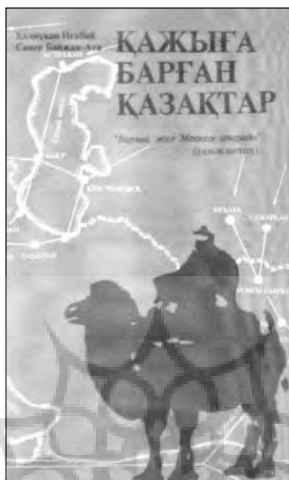


ایران

در یادداشت‌های زایران قزاق قلموقان عیسی بای و صفربایجان آتا

○ گالیا قمبریکو

○ رضا دهقانی



○ قزاق‌هایی که به حج رفته‌اند

○ تألیف: قلموقان عیسی بای و صفربایجان آتا

○ آلمانی (قزاقستان)، ۱۹۹۶، ۲۵۰ ص

گذر از ایران، یادداشت‌هایی از خود برجای گذاشته‌اند. اگر قلت اطلاعات در این مورد را مد نظر داشته باشیم همین اطلاعات اندک بسیار ارزشمند می‌نماید.

این یادداشت‌های پراکنده که متضمن برخی اطلاعات دربارهٔ اوضاع فرهنگی - اجتماعی شهرهای ایران است عموماً از لابلای اوراق و اسناد متفرق «آرشیو مرکزی جمهوری قزاقستان» گردآوری شده است. این یادداشت‌ها که در کتابی تحت عنوان قزاق‌هایی که به حج رفته‌اند به کوشش دو تن از پژوهشگران قزاق به نام‌های قلموقان عیسی بای (Isabai Kalmukan) و صفربایجان آتا (Safar Baijan ata) فراهم آمده، نخستین بار در سال ۱۹۹۶ در آلمانی، مرکز قزاقستان منتشر شده است. مطالب مربوط به ایران تقریباً نیمی از حجم کتاب ۲۵۰ صفحه‌ای را شامل می‌شود.

این مطالب مشاهدات و مسموعات زایران قزاق است که از خاک ایران گذشته و به زیارت حج رفته‌اند زیرا مسیر ایران پرتددترین مسیر برای زایران قزاق بوده است. در این کتاب، نویسندگان کوشیده‌اند تمام مسیر زایران قزاق را براساس اسناد و مدارک آرشیو مرکزی قزاقستان که عمدتاً مربوط به قرن نوزدهم است بازآفرینی و مشخص کنند. اصولاً مسیرهای زایران قزاق از سه طریق بوده است.

الف - از شمال کشور ایران و قفقاز.
ب - از طریق روسیه به یکی از بنادر دریای سیاه و عمدتاً بندر باطوم و از آنجا به استانبول و از استانبول، زمینی به جنوب آناتولی - سوریه - عراق و عربستان.
پ - از طریق شهرهای سمرقند و بخارا به شهر مزار شریف و از آنجا به شهرهای کابل، پشاور، کراچی یا بمبئی می‌رفتند و از آنجا هم با کشتی به شهر جدّه عزیمت می‌کردند.

البته هر کدام از این مسیرها مخاطرات خود را داشته است. اما مسیر ایران برای زایران قزاق مناسب‌ترین و کوتاه‌ترین مسیر بوده است که خود به سه راه منشعب می‌شد:

۱- مسیر اول، حرکت از بندر آستراخان . Satarakan با کشتی تا شهر باکو و از باکو با کشتی به رشت و از رشت به همدان و از همدان به کرمانشاه سپس عراق و عربستان

۲- مسیر دوم از سمرقند و بخارا به شهر بندری ترکمنستان به نام کراسنا وادسک (Krasnavadsk) با قطار حرکت می‌کردند و از آنجا با کشتی به ساری و مابقی مسیر از تهران، همدان، کرمانشاه، عراق تا عربستان بوده است.

۳- مسیر سوم از شمال دریای خزر، قفقاز و از قفقاز به نخجوان، تبریز، خوی، همدان و کرمانشاه سپس عراق و عربستان^۱ بوده است.

مقدمه:

قزاق‌ها که نام امروز کشور قزاقستان گرفته از آنها است، از نسل قبایل ترک و مغول هستند. با ظهور اسلام و گسترش آن توسط غازیان مسلمان به آن سوی مرزهای خراسان بزرگ، قزاق‌ها آرام آرام تحت‌تأثیر تلاش مبلغان اسلامی به اسلام گرویدند. این مبلغان بیشتر وابسته به طریقت‌های صوفیانه بودند و در تبلیغ آیین اسلام چندان متشرع نبودند. به همین خاطر در گرواندن مردمان غیرمسلمان، موفقیت‌های شایانی کسب کردند. پیشروترین مبلغان در قزاقستان نخستین، تاتارهایی بودند که پیشتر به اسلام گرویده بودند و از روستایی به روستایی دیگر می‌رفتند و مردم را به اسلام می‌خواندند و در حقیقت رابط قزاق‌ها با جهان اسلام شمرده می‌شدند.

گرایش قزاق‌ها به دین اسلام تا سدهٔ نوزدهم به طول انجامید و عجیب آنکه این کار به کمک روس‌ها صورت

گرفت. اسلام در طول قرن هفتم تا نهم میلادی در میان جوامع اسکان یافته قزاقستان تثبیت شده بود اما با این حال تنها در زمان حکمفرمایی صحرانشینان ترک جلگهٔ قزاق در سال ۱۰۴۳ میلادی بود که به صورت مذهب بیشترین شهرنشینان و طبقهٔ حاکمه پذیرفته شد. شاهزادگان اولوس جوجی از اولوس‌های چهارگانهٔ چنگیزی که دولت قزاق را پایه‌گذاری کردند خودشان را مسلمان می‌نامیدند و در جهان اسلام نیز به همین عنوان پذیرفته شدند.^۲

پذیرش اسلام از سوی قزاق‌ها ضرورت انجام فریضهٔ حج را حتمی می‌ساخت و به دنبال آن کاروان‌های حجاج جهت زیارت خانه خدا عازم عربستان می‌شدند که خود سرآغاز ارتباطات فرهنگی و سیاسی و اجتماعی با سرزمین‌های اطراف از جمله ایران بود، زیرا ایران یکی از مسیرهای حرکت کاروان‌های زیارتی از ماوراءالنهر به عربستان به شمار می‌رفت.

اصولاً دربارهٔ قزاق‌هایی که به ایران مسافرت کرده‌اند چه در قالب نمایندگان سیاسی و چه در قالب زایران حج، اطلاعات اندکی در دست است و در منابع اشارات مجملی به این ارتباطات شده است. اگر چه در دوره‌های متاخرتر آگاهی‌هایی جسته، گریخته به دست ما رسیده است، مثلاً از برخی اشارات منابع قزاقی قرن شانزدهم میلادی دانسته می‌شود که در سال ۱۵۹۳ میلادی یک هیأت بلندپایهٔ خان قزاق به ایران سفر کرده و در شهر قزوین به حضور شاه طهماسب باریافته و قراردادهایی منعقد کرده است.^۳

منابع به همین اندک آگاهی بسنده می‌کنند و از تفصیل و ایضاح حوادث و وقایع بعدی احتراز می‌جویند. بیشترین آگاهی ما راجع به مسافران قزاقی که به ایران سفر کرده‌اند مربوط به زایران خانه خدا می‌باشد که در طی سفر خود ضمن

تمامی این کاروان‌ها که از مسیرهای مختلف حرکت می‌کردند در شهر کرمانشاه همدیگر را ملاقات می‌کردند و به اتفاق هم به شهر بغداد و از بغداد به کربلا و سرانجام عربستان طی طریق می‌کردند.

هر سال قبل از ماه ذیحجه راهنماهای باتجربه کاروان که آنها را چاووش می‌گفتند زایران قزاق را به سفر حج دعوت می‌کردند. چاووش‌ها به مناطق مختلف قزاقستان سفر می‌کردند و مردم را به سفر حج دعوت می‌نمودند و اسامی داوطلبین را ثبت می‌کردند و تدارک مراحل دیگر سفر را می‌دیدند.

چاووش‌ها تمام مسیر را به خوبی می‌شناختند و به زبان‌های عربی، فارسی و ترکی تسلط داشتند. جز این، آداب و رسوم کشورهای سر راه را خوب می‌دانستند. چاووش‌ها مطابق عهد و قراری که می‌بستند زایران را به سفر حج می‌بردند و پس از ادای فریضه حج به اوطانشان بازمی‌گرداندند.^۵ معادگاه عمومی و دایمی تمامی زایران قزاق، شهر ترکستان زادگاه عارف بزرگ **خواجه احمد یسوی** بود. چاووشها از همین شهر به بعد راهنمایی زایران را بر عهده می‌گرفتند.

سه شخصیت نخست کتاب که بیشترین مطالب کتاب اختصاص به خاطرات و مشاهدات آنان دارد سفر خود را از بخارا آغاز کرده‌اند. این سه تن که **کریبای (Karibai) قایپ (Kaip)** و **تالوتای (Taleutai)** نام داشتند و با هم قوم و خویش بوده‌اند، در شهر ترکستان با یک روحانی ازبک به نام **اخلاص** آشنا می‌شوند که به جمع آنان می‌پیوندد و از آنجا سوار قطار شده به شهر بندری ترکمنستان، کرانسا وادسک عزیمت می‌کنند.^۶ پس از سه روز استراحت به طرف ساری عزیمت می‌نمایند که سفر آنها به ساری با کشتی دو روز طول می‌کشد. سه روز در ساری توقف می‌کنند تا کاروانی به مقصد عربستان برسد. در این فرصت زایران از شهر ساری بخصوص از مسجد و مدرسه‌های آن بازدید می‌کنند تا اینکه کاروانی یافت می‌شود که مقصدش مکه و مدینه است. حرکت زایران قزاق از ساری تا تهران سه روز به طول می‌انجامد. از تهران تا همدان نیز پنج روز و از شهر همدان تا کرمانشاه دو روز راه بوده است.

کلاً مسافرت زایران قزاق در مسیر ایران بین یک تا دو ماه طول می‌کشیده است. چنانچه از یادداشت‌های زایران برمی‌آید، آنها تا شهر کربلا سفر امن و راحتی داشته‌اند و توصیفی که از ایران در سفرنامه خود آورده‌اند آن را «ایران باغ» لقب داده‌اند و ایران را کلاً به صورت باغ بزرگی در کنار دریا تصور کرده‌اند.^۷ زیرا مسیری که آنها می‌پیمودند خطه سرسبز گیلان و مازندران و سپس مناطق خوش آب و هوای غرب کشور بوده است.

لذا در سراسر سفرنامه، زیبایی طبیعت شمال ایران و کوه‌های سرسبز آن مورد تمجید و اعجاب زایران قرار گرفته است. از مردم ایران به ویژه خونگرمی و مهمان‌نوازی ایشان بالاخص در حق زایران، به نیکی یاد شده است.

این زایران پس از سه روز وارد تهران می‌شوند که در سفرنامه‌شان به شکل تهیران Tahiran نوشته‌اند. سه روز در یکی از کاروان‌سراهای عالی آنجا اقامت می‌گزینند و از مساجد و مدارس شهر دیدن می‌کنند.^۸ برخی اوقات اتفاق می‌افتاده که کاروانی جهت حج پیدا نمی‌شده و زایران قزاق چند روز و حتی چند هفته در شهرهای ایران توقف می‌کردند تا کاروانی به مقصد حج بیابند یا اینکه در طول حرکت پیش می‌آمد زایران سایر مناطق من جمله ایرانی به کاروانیان قزاق پیوندند و در معیت ایشان به زیارت حج روند، به طوری که نویسندگان کتاب عنوان می‌کنند که چند زایر دیگر در شهرساری با کاروان آنها همراه شده‌اند.

نویسندگان اسامی کامل، محل تولد، سکونت و وضع خانواده خود را به طور کامل آورده‌اند و اسامی تمام زایران کاروان را نیز ذکر کرده‌اند.

آرشیوهای روسیه در خصوص زایران دیگر کشورهای آسیای مرکزی نیز اطلاعات ذی قیمتی در دل خود دارند که هنوز کالیده نشده‌اند و دست پرتوان پژوهشگرانی را می‌طلبد که غبار ایام را از آنها بزدایند و بر حقایق پرتو آگاهی افکنند.

دولت روسیه تزاری از سال ۱۸۵۰ میلادی، به بعد مسیر تمام زایران، آسیای مرکزی و قفقاز را از طریق دریای سیاه استانبول و راه زمینی عراق تعیین کرد. این کار به خاطر احصاء تعداد زایران و صدور شناسنامه مخصوص برای آنها صورت گرفت.^۹ زیرا پیش از آن بسیاری از زایران در طی مسیر حرکت بیمار می‌شدند و یا بر اثر بدی آب و هوا و کمبود آب و غذا و حوادث مختلف از دنیا می‌رفتند.

بنابراین لازم بود مسیرها مشخص شود و کاروان‌ها سازماندهی گردند. اما با تمام این اوصاف، ایران جایگاه سابق خود را حفظ کرد و قزاق‌ها مسیر ایران را بر دیگر مسیرها ترجیح می‌دادند.

به طور کلی از اشارات و قراینی که در این کتاب و سایر منابع قزاقی برمی‌آید می‌توان استنباط کرد که بین ایرانیان و قزاق‌ها در سده‌های ۱۸ و ۱۹ م. ارتباطات نزدیکی بوده است. اگر چه منابع در این خصوص چندان گویا نیستند. قزاق‌ها و عموماً مردم آسیای مرکزی همراه با پذیرش اسلام تحت تأثیر فرهنگ ایرانی و طبیعتاً فرهنگ شیعی ایران قرار داشتند و نسبت به ائمه اطهار احترام و تکریم خاصی ابراز می‌داشتند.

به ویژه حضرت **علی (ع)** را «پیر کل جوانمردان و پهلوانان» می‌دانستند. نام «علی» در میان قزاقان بسیار رایج بود. همچنین فرزندان دولقوی پسر خود را حسن و حسین و اگر دختر بود فاطمه و زهرا نام می‌نهادند.^{۱۰}

در قرن بیستم با ظهور دولت سوسیالیستی شوروی و سیاست‌های سختگیرانه استالین باز تا حد امکان قزاقان در جهت حفظ شعائر مذهبی خود کوشیدند و با کسب استقلال پس از فروپاشی دولت شوروی، به احیای ارزش‌های در محاق رفته اسلام پرداختند.

پی‌نوشت‌ها:

1. Mukhtar Magauin: Kazakh Handanin tarihi, Almaty 1986 P.5
2. The Kazkachs Martha Brill Olcott Floover Institution, Stan Ford University. California 1987. P.29
3. Mukhtar Magauin: Kazakh handanin tarihi, P.20
4. Kalmu Kan Isabai, Safar Baigan ata: Hajjitten Kazaklar, Almaty 1996, PP 22-28
5. ibid P.37.
6. ibid P.41.
7. ibid P.61.
8. ibid. P.90
9. Mukhtar Magauin: Kazakh Handanin tarihi P.37
10. ibid. P.52.

هر سال قبل از ماه ذیحجه راهنماهای باتجربه کاروان که آنها را چاووش می‌گفتند زایران قزاق را به سفر حج دعوت می‌کردند

